

دکتر محمود عالم*

مدیر فنی تالار یادبود ملکه ویکتوریا، کلکته

داود اللهوردی نیک**

مربی گروه زبان و ادبیات انگلیسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸

(صص ۱۱۰-۱۰۵)

تاریخ محو می شود (یادداشتی پیرامون توپ بزرگ جهان گشا)

چکیده

مرشد قلیخان، اولین نواب مرشد آباد بود که از مرکز این ایالت بر بنگال، بهار، و اریسا حکومت می کرد. او مؤسس حکومت مستقل ایالتی محسوب می شود. مرشد قلیخان به ضرب سکه مرشد آباد پرداخت و مسجد معروف کترا را بنا کرد. او، همچنین زبان فارسی را تعالی بخشید و به صورت زبان رسمی هند در آورد. در کنار مسجد بزرگ کترا، بنای توپخانه ای وجود داشت که توپ بزرگ «جهان گشا» - که گفته می شود از ترکیب هشت فلز از جمله: طلا، نقره، مس، سرب، روی، جیوه، آهن و قلع ساخته شده بود - در آن جا قرار داشت. این توپ در حال حاضر در موزه ی ویکتوریا در معرض تماشای عموم است.

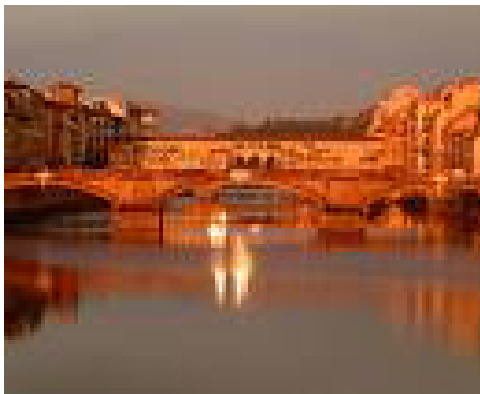
کلید واژه ها: تاریخ، جهانگشا، توپخانه، توپ، موزه

* Email: mahmood_jnu@yahoo.com

** Email: profdavoudall@yahoo.com

مقدمه

نشانی مخصوص در یک سند یا دست نوشته، یکی از عوامل اصلی سندیت یک اثر است که شامل نام سند یا وسیله، نویسنده مطلب، تاریخ، نام و تاریخ نوشته و غیره می باشد. همانند یک تابلو نقاشی اصل که امضای نقاشی در پای تابلو نشانگر اصل بودن اثر هنری ست. اسلحه ها هم نوشته هایی را دارا هستند که نشانگر دوره و زمان استفاده و افرادی که از آن استفاده کرده اند و یا در ساخت آن دست داشته اند می باشد. زمانی که این نشان مخصوص یا امضاء و یا هر نوشته ی دیگری از این قبیل به طریقی از بین برود؛ تاریخ خدشه دار می شود و می توان گفت به گونه ای تحریف می شود و این جاست که دست مایه ی تحقیق برای پژوهشگران فراهم می آید.



توپ جهان گشا و نگهداری آن

مرشد قلیخان (متوفی به سال ۱۷۲۷ میلادی) اولین نوایی بود که در سال ۱۷۰۰ به مرشدآباد آمد (این نام به احترام مرشد قلیخان به این دیار داده شد) و در ژوئن ۱۷۲۷ درگذشت. از او به عنوان اولین استاندار و مؤسس حکومت مستقل ایالتی یاد می شود. او در

سال ۱۷۱۷ استاندار بنگال شد و به بنگال، بیهار و اریسا فرمان راند. او که به طور اسمی با امپراطور مغول بیعت کرده بود از پایتختش، مرشدآباد، بر نواحی فوق الذکر فرمانروایی می کرد. مرشد قلیخان اقدام به تأسیس یک ضرابخانه و ضرب سکه ی مرشدآباد کرد و در سال ۱۷۲۳ مسجد بزرگ و با شکوه کترا را ساخت. خود او، برای نشان دادن نهایت خضوع و فروتنی اش، در زیر پله های منتهی به سرسرای مسجد دفن شده است. مرشدآباد نقش عمده ای در تعالی زبان فارسی داشته است. زبان فارسی که زبان رسمی کشور

هندوستان شده بود از حمایت بی دریغ پادشاهان و نوابان آن دوران بهره‌های فراوان برد. تعداد بیشماری از شعرا و نویسندگان زینت‌بخش دربار بنگال بودند. بنگاه هند شرقی به مدت چندین سال پس از جنگ پلاسی (۱۷۵۷) از این منطقه قدرت‌نمایی می‌کرد. حدود یک چهارم مایل (حدود ۴۰۰ متر) به سمت جنوب شرقی مسجد کترا، محل توپخانه، پارک توپخانه نواب، و دروازه‌ی شرقی پایتخت قدیمی قرار دارد. سرتاسر محدوده‌ی شرقی توسط «گبرانالا» که به زبان محلی «کتراجیل» نامیده می‌شود حفاظت می‌گردد. در آنجا یک توپ بسیار بزرگ بنام «جهان گشا» قرار داشت. این توپ در حال حاضر تحت نظارت اداره حفظ آثار باستانی هندوستان قرار دارد. این اداره بر روی یک تابلو کوچک اطلاعات ناقصی را پیرامون این توپ بزرگ در اختیار بینندگان می‌گذارد. آدم باید بسیار خرسند بود که این توپ به معرض تماشای عموم گذاشته شده است اما باید گفت که از بین رفتن و محو شدن نوشته روی بدنه توپ که حقایق و اطلاعات تاریخی را بیان می‌کرد به دلیل سهل‌انگاری بوده است. نوشته‌های باقیمانده آن قدر ناخواناست که نمی‌شود مطالب آن را فهمید. روی هم رفته نه نوشته همگی به زبان فارسی، بر بدنه‌ی توپ حک شده است که بر رسمیت داشتن زبان فارسی در هندوستان به هنگام ساخته شدن توپ دلالت دارد.

یک قرن پیش، توپ بزرگ جهان گشا بر روی یک گاری چرخدار سوار بود که اطرافش را درخت پیال فراگرفته و قد کشیده بود و اینک حدود چهار پا (فوت) آن را از زمین بلند کرده و تمام بدنه را تقریباً پوشانده است. چرخهای گاری توپ از بین رفته‌اند. جالب اینکه توپ برای مردم کم سواد و عامی جنبه‌ی تقدس پیدا کرده است بطوری که مردم روی آن روغن و جیوه قرمز می‌مالند و گل و شیرینی به درخت اهدا می‌کنند. و توپ جهان گشا توسط درخت بانوباب احاطه شده است.



عکس از کتاب مسند مرشدآباد (۱۹۰۴-۱۷۰۴)

به دنبال درگذشت ملکه ویکتوریا، لرد کرزن که بعدها والی (نایب السلطنه) هند شد، پیشنهاد ساختن یک موزه به یاد ملکه را مطرح کرد. نواب‌ها، راجه‌ها و تعداد بیشماری از مؤسسات و افراد مختلف با قبول پرداخت بخشی از هزینه‌ها و دیگر کمک‌ها، پیش قدم شدند. سر حسن علی میرزا، نواب بهادر مرشدآباد، هم با اهدای دست‌نوشته‌ها، فرمان‌ها، رساله‌ها، تابلوهای نقاشی، سلاح‌های مختلف و... باعث غنی‌تر شدن مجموعه‌ی موزه‌ی ویکتوریا شد. فازل رابی، دیوان سالار نواب مرشدآباد، در نامه‌ای که از طرف نواب بهادر به آقای بوکلند در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۰۱ می‌نویسد، خاطر نشان می‌کند که نواب بهادر اشیایی را به موزه اهدا کرده است. در این لیست اشیای اهدایی علاوه بر توپ بزرگ جهان گشا، اشیای دیگری مانند کانات - پرده‌ای که الله‌وردی خان به عنوان غنایم جنگی از مهاراتاس به تاراج برده بود - و مسند یا سنگ قیمتی تخت نواب ناظم بنگال هم وجود داشت. بر روی همین اریکه شاهی بود که کلایو بلافاصله بعد از جنگ «پلاسی»، میر جعفر را نشانند و او را به نواب ناظمی بنگال، بیهار و اریسا منسوب کرد، و باز بر روی همین

تخت بود که کلایو و نواب ناظم الدوله زمانی که بریتانیا بنگال، بیهار و اریسا را به تصرف خود در آورد، پهلو به پهلو هم نشستند.

والی تمایل خود را برای پذیرش پست ریاست موزه ویکتوریا اعلام کرد. او همچنین پیشنهاد کرد که می‌توان توپ جهان گشا را از درخت باثوباب جدا کرده، بر روی یک گاری تا محل رودخانه حمل کرده، به هنگام بارندگی و پر آبی رودخانه، آن را بر روی یک کلک سوار کرده به کلکته برد و نیازی به جدا کردن دیگر قسمت‌های توپ (مثل چرخ‌ها) نمی‌باشد.

فیناکین، وزیر لرد کرزن از دربار مرشدآباد در روز دوم مارچ ۱۹۰۲ نامه‌ای توسط بیکرکار - آجودان مخصوص والی - برای کرزن می‌فرستد به این مضمون: «من یادداشت جناب عالی را به نواب بهادر و دیوان ایشان نشان دادم و به آن‌ها فرصت کافی دادم تا درباره آن فکر کنند و بگویند که چه نوع اشیا می‌توانند به موزه ی ویکتوریا اهدا کنند ... نواب مایل است هرچه را که موجب کامل تر شدن موزه شود اهدا کند». اما نواب اصرار داشت که صنایع دستی‌اش به موزه اهدا شود. زیرا هم در آن‌جا از آن‌ها بهتر مواظبت می‌شد و هم بهتر به معرض نمایش و تماشای عموم گذاشته می‌شد. نواب همچنین دغدغه مواظبت از آن‌ها را داشت. همان‌طور که فیناکین می‌نویسد: «... او گفت که موضوع را کاملاً متوجه شده است و فکر می‌کند که بهتر است برخی از آثار تاریخی و هنری در موزه ی ویکتوریا نگهداری شود تا در کاخ او. او اعتقاد دارد که در دربار او، ممکن است، جانشینانش به خوبی از آن‌ها مراقبت نکنند ... او نه تنها تمایل دارد که این کار حتماً عملی شود بلکه اصرار دارد به همین نحوی که او می‌خواهد انجام گیرد زیرا، آن‌طور که او می‌گوید، جدای از هر دلیل دیگری، در موزه ی ویکتوریا بهتر از دربار او از این اشیا مراقبت خواهد شد». اطلاعات مربوط به توپ بزرگ در حدود یک قرن پیش ثبت شده است و از میان نه نوشته ی فارسی روی بدنه توپ شش نوشته خوانا و سه نوشته ناخواناست. توپ بزرگ (جهان گشا) در دوران حکومت امپراطور شاه جهان (۱۶۶۶-۱۵۳۹) به سرپرستی اسلام خان - استاندار بنگال - (متوفی به سال ۱۶۴۷) توسط آهنگر جاناردان داس و به دستور داروغه شر محمد و تحت نظارت هاربالاب داس، در سال

۱۰۴۷ هجری / ۱۶۳۷ م (یازدهمین سال امپراطوری شاه جهان) در داکا ساخته شد. طول این توپ بزرگ ۱۷/۵ پا، قطر خزانه گلوله ۵ پا، قطر سوراخ آتش ۱/۵ اینچ و دهانه ۶ اینچ می‌باشد. وزن توپ ۲۱۲ پاوند است و گفته می‌شود که از ترکیب هشت فلز طلا، نقره، مس، سرب، روی، جیوه، آهن و قلع ساخته شده است.

حالا بعد از گذشت یک قرن، نوشته‌های بدنه توپ محو شده‌اند. پنج دویبیتی فارسی وجود داشته که اهمیت، شکوه و عظمت آن دوره و پاسدارانش را توصیف کرده است. نوشته نهم نام توپ، نام کلانتر، محل و تاریخ ساخت، نام آهنگر و... را نشان می‌داد.



نتیجه

در حال حاضر نوشته‌های فارسی روی بدنه توپ جهانگشا از بین رفته‌اند و همان‌گونه که گفته شد گویی تاریخ محو شده و قسمتی از تمدن و فرهنگ یک ملت بزرگ به فراموشی سپرده شده است. تمدن و

فرهنگی که با زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دولت مقتدر هندوستان پیوند داشته و هنوز هم آثار نوشتاری آن را در کتابخانه‌ها و موزه‌ها این کشور می‌توان به وفور یافت. محو این آثار به عنوان گنجینه حامل فرهنگ، هویت و اصالت شبه قاره، در واقع محو تاریخ و خدشه دار کردن آن است.

منابع

- ¹Sarkar, Sir Jadunath. The History of Bengal, vol. II, 1948 p.397.
- ²Majumdar, Purna Ch. The Musnud of Murshidabad (1704-1904), Murshidabad, 1905 p 21
- ³Majumdar, Purna Ch. The Musnud of Murshidabad (1704-1904), Murshidabad, 1905 p 172
- ⁴Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p 76
- ⁵Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p. 189
- ⁶Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p. 188-89
- ⁷Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p. 188-89
- ⁸Shaikh 'Alauddin, entitled Islam Khan, the grandson of the famous saint Shaikh Salim Chishti.
- ⁹Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p. 190 f
- ¹⁰Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 p. 190 c-f.
- ¹¹Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 From Nawab Sir Syud Hasan Ali Khan Bahadur , 8th February 1904. p. 397
- ¹²Correspondence of Victoria Memorial 1901-04 From John O Miller to Nawab Sir Hasan Ali Mirza Bahadur of Murshidabad, 30th January 1904. p207 .